

## زندگی اجتماعی امام محمد باقر(ع)

زندگی امام، آیینه تمام نمای زندگی شرافتمندانه انسان های موحد و متعالی است. یکی از بارزترین ویژگی های امام جامعیت اوست.



زندگی امام، آیینه تمام نمای زندگی شرافتمندانه انسان های موحد و متعالی است. یکی از بارزترین ویژگی های امام جامعیت اوست. توجه به علم، او را از اخلاق و فضایل روحی غافل نمی سازد و روی آوری به معنویات و عبادت و بندگی، وی را از پرداختن به زندگی مادی و روابط اجتماعی و اصلاح جامعه باز نمی دارد. در حالی که انسان های معمولی، در بیشتر زمینه ها گرفتار افراط و تفریط می شوند، اگر به زهد و عبادت بپردازند، به عزت و گوشه نشینی کشیده می شوند و اگر به کار و تلاش رو آورند، از انجام بایسته وظایف عبادی و معنوی، دور می مانند!

8226&#8226; کار و تلاش در اوج زهد و تقوا

انسان های کم ظرفیت و کوتاه اندیش، گمان می کنند که لازمه زهد و تقوا، این است که خرده ای پشمینه بر دوش افکنده و زاویه خلوتی را انتخاب کنند و روی از خلق بگردانند تا به خدا نزدیک شوند! اینان گمان می کنند که تلاش برای تأمین معاش و کسب روزی، مخالف زهد و توکل است، و وظیفه انسان فقط ذکر گفتن و پرداختن به نماز و روزه می باشد و روزی از هر جا که باشد می رسد! ولی برنامه امامان(ع)، و از جمله امام باقر(ع) غیر از این بوده است. آنان، در اوج زهد و تقوا و در نهایت عبادت و بندگی خدا، اهل کار و تلاش بوده اند، و از این که دیگران روزی آن ها را تأمین کنند و خرج زندگی ایشان را بپردازند، بشدت بیزار بوده اند. محمد بن منکدر یکی از زهاد معروف عصر امام باقر(ع) است که همانند طاووس یمانی و ابراهیم بن ادهم و عده ای دیگر، دارای گرایش های صوفیانه بوده است. او خود نقل می کند: در یکی از روزهای گرم تابستان، از مدینه به سمت یکی از نواحی آن، خارج شدم، ناگاه در آن هوای گرم، محمد بن علی(ع) را ملاقات کردم که با بدنی فربه و با کمک دو نفر از خدمتکارانش مشغول کار و رسیدگی به امور زندگی است. با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش، در چنین ساعت گرم و طاقت فرسا و با چنین وضعیت جسمی، به فکر دنیا است! به خدا سوگند، باید پیش رفته و او را موعظه کنم. به آن حضرت نزدیک شدم و سلام کردم. او نفس زنان و عرق ریزان، سلام را پاسخ گفت. فرصت را غنیمت شمرده، به او گفتم: خداوند، کارهایت را سامان دهد! چرا بزرگی چون شما در چنین شرایطی به فکر دنیا و طلب مال باشد! براستی اگر مرگ در چنین حالتی به سراغ شما بیاید، چه خواهید کرد! امام باقر(ع)، دست از دست خدمتکاران برگرفت و ایستاد و فرمود: به خدا سوگند، اگر در چنین حالتی مرگ به سراغم آید، بحق در حالت اطاعت از خداوند، به سراغم آمده است. این تلاش من خود اطاعت از خداست، زیرا با همین کارهاست که خود را از تو و دیگر مردم بی نیاز می سازم(تا دست حاجت و تمنا به کسی دراز نکنم). من زمانی از خدا بیمناک هستم که هنگام معصیت و نافرمانی خدا، مرگم فرا رسد! محمد بن منکدر می گوید: پس از شنیدن این سخنان، به آن حضرت عرض کردم: خدای رحمت کند، من می خواستم شما را موعظه کنم، اما شما مرا راهنمایی کردید.(1)

8226&#8226; حضور سازنده و مؤثر در جامعه

امام باقر(ع) با این که توجه به استغنائی نفس و لزوم تلاش برای کسب معاش داشت و عملاً در این راستا گام می نهاد، اما هرگز زندگی خود را وقف تأمین معاش نکرده بود، بلکه همت اصلی آن حضرت، حضور سازنده و مؤثر در جامعه بود. این درست است که نباید برای تأمین زندگی، سربار دیگران بود، ولی این نکته را نیز باید در نظر داشت که هدف اصلی و عالی زندگی، دستیابی به رفاه، و ثروت نیست و نباید در طریق تلاش های دنیوی، از ارزش های اصیل زندگی غافل بود. امام باقر(ع) در روزگار خود، بزرگترین تأثیر علمی و عملی را برای جامعه خویش داشت. حضور در مجامع علمی و تأسیس جلسات فرهنگی، یکی از بهترین و ارزنده ترین نوع حضور در جامعه و خدمت به اجتماع مسلمانان بوده و هست، زیرا هر گونه تکامل اجتماعی در ابعاد اخلاقی و معنوی و اقتصادی و... منوط به تکامل فکری و فرهنگی است. برای تبیین نقش حیاتی امام باقر(ع) در جامعه اسلامی، یاد همین نکته کافی است که: جمع عالمان بر این عقیده اتفاق دارند که فقیه ترین مردم در آغاز سلسله فقیهان شش نفرند و آن شش نفر از اصحاب و شاگردان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بشمار می آیند.(2) و سخن حسن بن علی الوشاء(3) که از معاصران امام رضا(ع) می باشد، خود گواهی روشن بر مدعای ماست که می گوید: نهصد شیخ و بزرگ راوی حدیث را در مسجد کوفه مشغول تدریس یافتم که همگی از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نقل حدیث می کردند.(4) محققان بر این عقیده اند که امام باقر(ع) و امام صادق(ع) در حقیقت بنیانگذار دانشگاه اهل البیت هستند که حدود شش هزار رساله علمی از فارغ التحصیلان آن به ثبت رسیده است. اصول اربعمائه همان رساله های چهار صد گانه ای است که در میان محدثان شیعه، به عنوان کتب اصول شناخته می شود و از جمله آن شش هزار رساله به شمار می آید، و چه بسا بیشتر محتویات کتب چهارگانه شیعه(کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) از همین رساله های اربعمائه گرفته شده باشد.(5)

8226&#8226; مرجعیت و پاسخگویی به پرسش های مردم

ابو بصیر می گوید: امام باقر(ع) در مسجد الحرام نشسته بود و گروه زیادی از دوستدارانش برگرد او حلقه زده بودند. در این هنگام طاووس یمانی به همراه گروهی به من نزدیک شد و پرسید: آن مردم در اطراف چه کسی حلقه زده اند؟ گفتم: محمد بن علی بن

الحسين(باقر العلوم(ع)) است که نشسته و مردم دور او گرد آمده‌اند. طاووس یمانی گفت: من نیز به او کار داشتم. آن گاه پیش رفت، سلام کرد و نشست و گفت: آیا اجازه می‌دهید مطالبی را از شما بپرسم؟ امام باقر(ع) فرمود: آری بپرس! (6) طاووس یمانی سؤال هایش را مطرح کرد و امام(ع) به او پاسخ بایسته را ارائه داد. ابو حمزه ثمالی نیز می‌گوید: در مسجد رسول خدا نشسته بودم که مردی پیش آمد، سلام کرد و گفت: تو کیستی؟ به او گفتم: مردی از اهل کوفه‌ام. چه می‌خواهی و در جستجوی چه هستی؟ مرد گفت: آیا ابوجعفر، محمد بن علی(ع) را می‌شناسی؟ گفتم: بلی، به آن گرامی چه کار و حاجتی داری؟ گفت: چهل مسأله آماده کرده‌ام تا از وی سؤال کنم و آن چه حق بود بپذیرم. ابو حمزه می‌گوید: از آن مرد پرسیدم، آیا تو فرق بین حق و باطل را می‌دانی؟ مرد گفت: آری... در این هنگام امام باقر(ع) وارد شد در حالی که گروهی از اهل خراسان و مردم دیگر در اطراف وی بودند و مسایل حج را از آن حضرت می‌پرسیدند. آن مرد نیز نزدیک امام نشست و مطالب خود را با آن حضرت در میان گذاشت و جواب لازم را دریافت داشت. (7) این نمونه‌ها و موارد دیگر، بروشنی می‌نمایاند که امام باقر(ع) چگونه مورد رجوع مردم بوده و به نیازهای مختلف آنان رسیدگی می‌کرده است.

رسیدگی به محرومان #8226;

درباره امام باقر(ع) گفته‌اند: هرگز شنیده نشد که نیازمندی نیازش را به آن حضرت اظهار داشته و با پاسخ منفی، مواجه شده باشد. امام باقر(ع) همواره توصیه می‌کرد که وقتی نیازمندان به شما رو می‌آورند و یا شما می‌خواهید آنان را صدا بزنید، بهترین نام‌ها و عناوین را درباره آنان به کار گیرید (8) و با عناوین و اوصاف زشت و بی‌ارزش و با بی‌احترامی با ایشان برخورد نکنید. امام صادق(ع) می‌فرماید: پدرم با این که از نظر امکانات مالی، نسبت به سایر خویشاوندان، در سطح پایین تری قرار داشت و مخارج زندگی وی، سنگین تر از بقیه بود، هر جمعه به نیازمندان انفاق می‌کرد و می‌فرمود: انفاق در روز جمعه، دارای ارجی فزون تر است، چنان که روز جمعه، خود بر سایر روزها برتری دارد. (9) و نیز این سخن را هم امام صادق(ع) فرموده است: در یکی از روزها به حضور پدرم رسیدم در حالی که میان نیازمندان مدینه، هشت هزار دینار، تقسیم کرده و یازده برده را آزاد ساخته بود. (10)

پی نوشت ها:

1- رأیت الباقر(ع) و هو متکيء علي غلامين اسودين. فسلمت عليه فرد علي علي بهر و قد تصبب عرقا فقلت: اصلحك الله لوجاءك الموت وانت علي هذه الحال في طلب الدنيا، فخلي الغلامين من يده و تساند و قال: لو جاءني و انا في طاعة من طاعات الله اكف بها نفسي عنك و عن الناس، و انما كنت اخاف الله لو جاءني و انا علي معصية من معاصي الله، فقلت: رحمك الله اردت ان اعطك فوعظتني. ارشاد مفید 2/159، مناقب 4/201، كشف الغمة 2/330، الفصول المهمة 213، بحار 287/46.

2- المناقب 2/295، ائمتنا 1/351.

3- حسن بن علي الوشا از شخصیت های برجسته امامیه و از اصحاب امام رضا(ع) می‌باشد که نجاشی درباره او گفته است: #171کان من وجوه هذه الطائفة؛ و #171کان عینا من عیون هذه الطائفة؛ اعیان الشیعة 5/195.

4- اعیان الشیعة 5/194.

5- سیرة الائمة الاثني عشر 2/202.

6- کان ابو جعفر الباقر(ع) جالسا في الحرم و حوله عصابة من اوليائه، إذ اقبل طاووس الیمانی فی جماعة، فقال: من صاحب الحلقة؟ قيل: محمد بن علي... قال: اياه اردت، فوقف عليه و سلم و جلس ثم قال: اتأذن لي في السؤال؟ فقال الباقر(ع) قد اذنك فسلم قال: ...بحار 355/46.

7- عن ابي حمزة الثمالی قال: كنت جالسا في مسجد رسول الله(ص) اذ اقبل رجل فسلم فقال من انت يا عبد الله...بحار 357/46.

8- کان علیه السلام لا یسمع من داره یا سائل بورك فیک، و یا سائل خذ هذا، و کان علیه السلام یقول: سموهم باحسن اسمائهم. احقاق الحق 12/189.

9- عن ابي عبد الله(ع): کان ابي اقل اهل بيته مالا و اعظمهم مؤونة و کان یتصدق کل جمعة بدینار و کان یقول الصدقة يوم الجمعة تضاعف کفضل يوم الجمعة علي غيره من الايام. بحار 46/295، الانوار البهیة 122، اعیان الشیعة 1/653.

10- روي عن ابي عبد الله(ع) قال: دخلت علي ابي یوما و هو یتصدق علي فقراء اهل المدينة بثمانية آلاف دینار، و اعتق اهل بیت بلغوا احد عشر مملوكا...بحار 302/46.